

# سیر خوشنویسی در قرن پنجم هجری و ظهور ابن بواب

دکتر بدیع الله دبیری نژاد  
استادیار دانشگاه اصفهان

خوشنویس و خطاطان ماهر و چیره دست ، به استادی او در زیبایی و حسن خط نسخ دعترف گردیدند . گرچه ابن مقله به روایتی ، واضع و مؤید خط نسخ بود ، ولی ابن بواب آنرا به سرحد کمال رسانید و قواعد دوازده گانه<sup>۱</sup> را که واضع ابن مقله<sup>۲</sup> وزیر بود کامل نمود و در زیبایی و ظرافت حسن خط مشهور گشت<sup>۳</sup> . و حروف با نقطه را تحت قواعد صحیح و اصولی

۱- ابوعلی محمد بن حسین بن مقله ، پدرانش از مردم فارس بودند و در سال ۲۷۲ هجری در بغداد متولد گردید . ابن مقله از دانشمندان و فضلاء عصر بود و در علوم فقه و تفسیر و قرأت و ادبیات دست داشت و شعر خوب میگفت و در ترسل و انشاء و بویژه در خط و خوشنویسی سرآمد اقران بود - جمله مورخین بر آنند که تا زمان ابن مقله هیچک از خطاطان در خوشنویسی اقلام مختلف بقدرت او نیامده است و عده یی معتقدند که اقلام ششگانه (سته) که اصول خطوط متداول اسلامی است یعنی ، محقق - ریحان - ثلث - نسخ - توفیق و رقاع را وی از خط کوفی اقتباس کرده است . احوال خطوط اسلامی در آغاز قرن چهارم و ظهور ابن مقله ، مجله دانشکده ادبیات اصفهان ، شماره ۵ سال ۱۳۴۸ بقلم نگارنده .

۲- رجوع کنید به کتاب و فیات الاعیان ، اثر ابی العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلکان ، متوفی به سال ۶۸۱ هجری جلد سوم .  
۳- . . . و يقال له «ابن السری» ایضاً ، لان اباه کان بواباً ، و البواب ملازم سترالباب ، فلهدا نسب الیه - صفحه ۲۸ و فیات الاعیان اثر ابن خلکان - چاپ مصر .

۴- پس از آنکه ابن مقله ، خط نسخ را اختراع کرد ، برای آن چهار دانگ دور و دو دانگ سطح قرارداد و مدار تعلیم آنرا به نقطه گذارد و برای آن دوازده قاعده ترتیب داد و مردم را یاد داد تا حروف آنرا نسبت به یکدیگر بزرگ و کوچک نکنند و آن قواعد دوازده گانه بدین شرح است : ۱- ترکیب ۲- کرسی ۳- نسبت ۴- ضعف ۵- قوت ۶- سطح ۷- دور ۸- صود ۹- مجاز ۱۰- اصول ۱۱- صفا ۱۲- شان . برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به «احوال خطوط اسلامی در آغاز قرن چهارم و ظهور ابن مقله» در مجله دانشکده ادبیات اصفهان شماره ۵ سال ۱۳۴۸ .

۵- پیدایش خط و خطاطان ، تألیف : عبدالمحمدخان ایرانی (مؤدب السلطان) چاپ دوم سال ۱۳۴۶ ، از انتشارات ابن سینا - تهران .

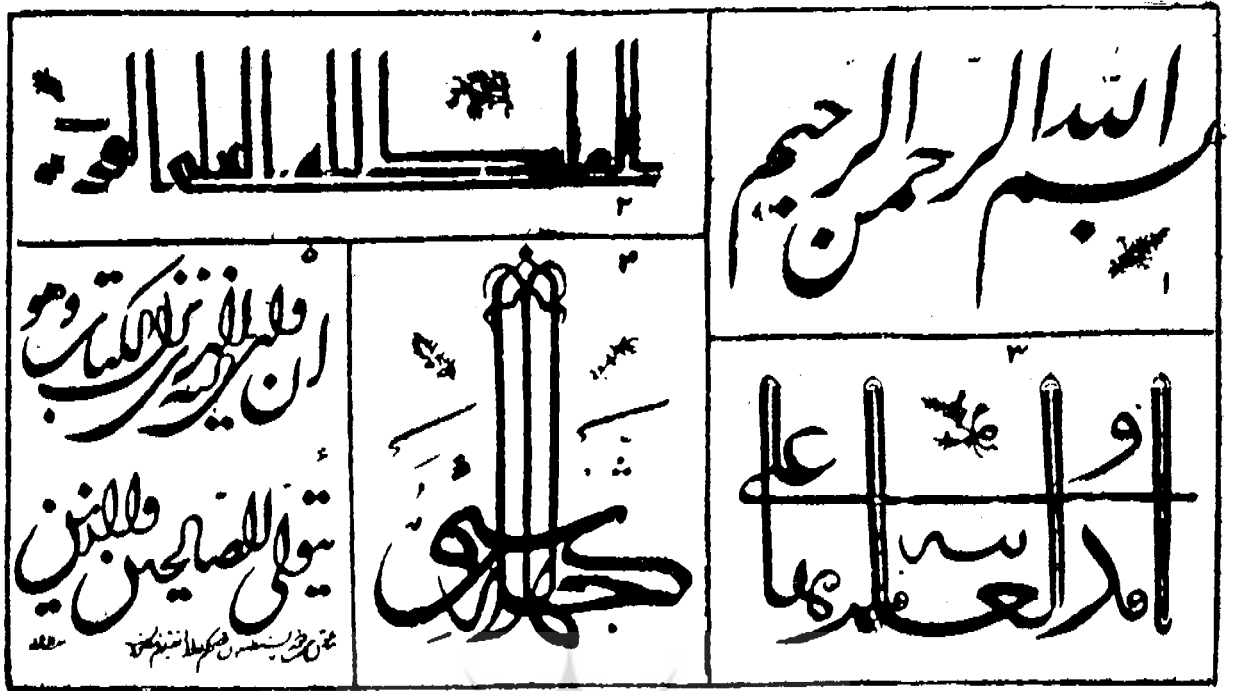
خط عربی که از آخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری ، با ظهور ابن مقله<sup>۱</sup> ، وارد مرحله جدیدی شده بود ، در قرن پنجم به وسیله ابن بواب که در واقع پیشقدم نهضت یکی از مهمترین مظاهر هنری اسلامی یعنی خوشنویسی به شمار میرود ، تحول و تکامل خاصی یافت . گرچه بعد از ابن مقله خوشنویسان زیادی از شاگردان و پیروان سبک هنری او به ظهور رسیدند ولی تا مدت یک قرن کسی به شهرت و اهمیت ابن مقله در خوشنویسی نیامد تا اینکه نوبت به «ابن بواب» رسید .

ابوالحسن علاء الدین علی بن هلال معروف به ابن بواب ملقب به قبله الکتاب ، از خوشنویسان مشهوری است که در بین متقدمین و متأخرین مثل او یافت نشده است<sup>۱</sup> . وی با القادر بالله ، بیست و پنجمین خلیفه عباسی ، معاشرت داشت پدرش دربان القادر بالله عباسی (۳۳۲ - ۳۸۱) و از حاجبان دستگاه خلافت بود و خود وی از نزدیکان خلیفه و یا به روایتی از ملازمان بهاء الدوله دیلمی (۳۷۹ - ۴۰۳) بوده و به مناسبت شغل و کار پدر ، به ابن بواب معروف شده است<sup>۲</sup> .

ابن بواب پس از ابن مقله وزیر و برادر وی ، حسن بن مقله که هردو از نام آورترین خوشنویسان قرن چهارم هجری به شمار میروند ، پایه و اساس خط را ، پس از تأمل و تحمل رنجهای فراوان به درجه یی رسانید که بعد از او برای کسی یارای همسری و برتری نماند .

و همه اعتراف و اقرار دارند که ابن بواب در هنر خوشنویسی و خط ، منفرد و یگانه عصر خویش بود .

ابن بواب به اکثر علوم رایج زمان خود ، قادر و وارد و به بیشتر کمالات عالییه و صفات خوب انسانی متصف بود . وی در خطوط متداوله ، تصرّفات کرد و قواعد تازه یی در خوشنویسی ابداع و ایجاد نمود و از جمله ، خط را بمیزان نقطه تحت قاعده آورد و با رعایت تراش قلم و انتخاب کاغذ و مرکب ، به تهذیب خط پرداخت و صیت حسن خطش عالمگیر گشت و شهره عصر خود گردید و همگان و استادان



در آورد که تاکنون همان قواعد سطح و دور و تناسب کامل بوسیله خوشنویسان خط نسخ مورد استفاده قرار میگیرد .  
 ابن بواب به قول ابن خلیکان<sup>۱</sup> ، در خط ابتدا ، شاگرد ابو عبدالله محمد بن اسد بن علی بن سعید قاری بزاز بغدادی (متوفی در ماه محرم سال ۴۱۰ هجری) بود و بعدها نزد خوشنویسان عصر مانند : ابوبکر احمد ، فرزند سلیمان نجفاد و علی بن محمد کوفی و جعفر خالدی و عبدالملک بن سقطی به تکمیل هنر خود پرداخت و از همگان پیشی گرفت و به درجه و مرتبت استادی رسید و بلند آوازه شد . شاگردان بسیار از اکناف و اطراف ممالک اسلامی بدور وی گرد آمدند و او هم به تعلیم شاگردان میپرداخت و هم کتابت قرآن و غیر آن میکرد .

ابو عبدالله بن جعفر بغدادی گوید : وقتی به مجلس درس استاد رفتم با آنکه خود از خوشنویسان بنام محسوب میشدم ، دیدم تمام مشاهیر خوشنویسان در محضر استاد به کتابت مشغولند و در دست ابن بواب صفحه قرآنی بود که شخصاً کتابت میکرد ، چون نگریستم از حسن خط او مدهوش گشتم و او را تحسین کرده ، گفتم آیا استاد کامل در هر ماه میتواند به چه اندازه کتابت فرماید ، بدین قسم که اکنون کتابت فرموده ؟ ابن بواب گفت : آن خطی که رعایت پنج چیز مانند : الماس ، ملامس ، انقاس ، انفاص و قرطاس با قواعد دوازده گانه در آن جمع بشود بیش از نیم عشر کلام الله در یکروز نمیتوان کتابت کرد و اگر فرصت و فراغت بیشتری برای کتابت قرآن دست دهد ، به یقین هر سه ماه یک قرآن بدین سیاق توانم نوشت<sup>۲</sup> .

«آنکه واضع بوضع این باب است :  
 ابن مقله است و ابن بواب است» .  
 گفته اند که ابن بواب در مدت زندگانی شصت و چهار قرآن است کتاب کرده است که ظاهراً فقط یک نسخه از آن باقی است چنانکه در اقلام متداول بعضی وضع قلم ریحان<sup>۳</sup> و محقق را باو نسبت داده اند که البته روا نیست و چنانکه گذشت واضع آن دو قلم قبل از وی مدتها پیش دیگران بوده اند . آنچه مسلم و محرز است اینست که وی در قلم نسخ مهارت کافی و وافی داشته است .  
 ابن بواب گذشته از حسن خط و کتابت قرآنها متعدد و آثار زیاد ، در سرودن شعر طبعی بغایت نیکو داشت و او را فصیحه ایست در ترتیب و قاعده کتابت که پایه فضل و کمالات او را میرساند .

« یا من یرید اجادة التحریر :  
 ویروم حسن الخط والتصویر  
 «ان کان عزمک فی الکتابه صادقا :  
 فارغب الی مولاک فی اتیسیر»

« اعدد من الاقلام كحل مثقف :

یعنی . . خطوط و سطور او مانند بوستانی پر از نقش و نگار ، تو پنداری که از دست ابن هلال نگاشته شده یا انشاء ابن هلال بوده است<sup>۱۴</sup> .

صلب يصوغ صناعة التحرير»<sup>۱۱</sup>  
... الخ .

مراد ابن خلکان از ابن هلال اول ، ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال و منطور از ابن هلال ثانی ، ابوالحسن صابی ابراهیم بن هلال میباشد که این کتاب در بلاغت و فصاحت الفاظ مانند رسائل صابی و از حیث حسن کتابت در نیکویی مانند خط ابن بواب است<sup>۱۵</sup> . پس سؤال کردم از آن فقیه از بقیه اشعاری که شرفوق از آن ابیات بود ، پس خواند برای من آن ابیات را :

در مورد این قصیده ابن بواب ، ذکری در آثار موجود ، منجمله در کتاب دانشوران ناصری نشده است .  
بنابگفته ابن خلکان<sup>۱۲</sup> وفات ابن بواب در روز پنجشنبه ، دوم جمادی الاول سال ۴۲۳ یا ۴۱۳ در بغداد اتفاق افتاد و در نزدیکی آرامگاه امام احمد حنبل دفن شده است و دو بیت شعریکه در مرثیه او سروده شده است به آن اشاره میکند و میگوید :

ولمّا أتى منك الكتاب الذى حوى :  
قلائد سحر للبيان حلال  
وقفت على ريع من الفضل أهل :  
وقوفى برىع للاحبة خال  
أرقرق من دعى و أدمن لمه :  
و أسال اطلالا تحبيب سؤالی  
وهيمتُ به حتى توهمت لفظه :  
نجوم ليالٍ أم سُموط لآلى  
کتاب کوشی الروض خطت سطورہ :  
يد ابن هلال عن فم ابن هلال<sup>۱۶</sup>

« استشعر الكتاب فقدك سالفًا :  
وقست بصحة ذلك الايام »  
« فلذاك سودت الدوى ، كابة » :  
أسفا عليك و شقت الاقلام<sup>۱۳</sup> »

وباز ابن خلکان گوید : سؤال شد وسیله بعضی از فقها در شهر حلب از من قول بعضی متأخرین در وصف کتابی (که ابیات آن در وزن طویل بود) . واز جمله آن ابیات این بیت است :

« کتاب ، کوشی الروض خطت سطورہ :  
يد ابن هلال عن فم ابن هلال »

«از این شکسته هر آنکس کند توقع مشق  
سه چیز خواهم از او گرچه هست بی دشوار»  
«اول مداد که اندر سیاهی و جریان  
بود چو بخت من و آب دیده خون بار»  
«دوم قلم که چو مرغان من نباشد سست  
سوم خطی چو خط عبیرین یارنگار»

۶- وکان شیخه فی الکتابه ، ابن أسد الکاتب ، وهو ابو عبدالله محمد بن أسد ابن علی بن سعید القاری الکاتب البزاز البغدادی . . .  
صفحه ۲۹ جلد سوم و فیات الاعیان اثر ابن خلکان - چاپ مصر .  
۷- پیدایش خط و خطاطان ، تألیف عبدالمحمد خان ایرانی صفحه ۷۱ .

۱۰- عده زیادی از صاحبزنان قلم ریحان را از مبتدعات علی بن عبیده الریحانی از معارف دانشمندان دربار مأمون عباسی میدانند .

۸- چون خط نسخ نسبت به سایر خطوط مانند کوفی و محقق و ریحان و ثلث آسانتر بود و همه مردم بآن خط گرویدند به تدریج سایر خطوط متروک گردید و در واقع خط نسخ سایر خطوط را نسخ کرد از این جهت به «نسخ» معروف گردید و اولین اثریکه بخط نسخ نوشته شد قرآن بود . رجوع کنید به اساس خط عربی نوشته نگارنده در مجله دانشکده ادبیات اصفهان شماره ۴ سال ۱۳۴۷ .

۱۱- خلاصه ترجمه اشعار فوق به فارسی : ای کسیکه میخواهی خوشنویس باشی و بحسن خط برسی و عزم تو در کتابت صادق و جازم است پس خود را بسوی خداوند نزدیک کن تا مشکلات تو آسان گردد و قلم خود را همواره آراسته کن تا حسن خط از آن نمودار شود .

۹- سلطان علی مهدی معروف به سلطان الخطاطین یکی از معروفترین چهره های هنر خوشنویسی است ، به پایمردی مولانا اظهر هروی او را به تعلیم و تعلم واداشت و در تربیت وی جهد و کوشش نمود . سلطانعلی بزودی در فنون لغات عرب و رموز مصطلحات ادب متبحر گردید و آنگاه مولانا اظهر او را به تحصیل حسن خط واداشت و برای تشویق و ترغیب وی همیشه این بیت را قرائت میکرد .

۱۲- صفحه ۲۹ جلد سوم کتاب و فیات الاعیان چاپ مصر اثر ابن خلکان . و چنین گوید : و توفی ابن البواب یوم الخميس ثانی جمادی الاولى سنة ثلاث عشرين ، وقیل : ثلاث عشرة و اربع مائة ، ببغداد ، و دفن جوار الامام احمد بن حنبل رضی الله عنه !

« در مشق کوتاهی مکن ای سلطانعلی

۱۳- گوید: نویسندگان و خوشنویسان گذشته فقدان تکرار در نهایت تأثر دریافتند و در فوٹ تو آنان را شم و اندوه فرا گرفت ، و بدین اسف دوانتهای خود را نیلگون و قلمهای خود را منتق نمودند .

در روز کن مشق خفی ، در شام کن مشق جلی»  
در خط سلطانعلی در اندک مدتی شهره آفاق گردید و به دربار سلطان حسین میرزای بایقرا (۸۷۲ - ۹۱۱) وزیر کارداران و بزرگش امیرعلی شیر نوائی راه یافت و از عنایات و توجهات آنان برخوردار گردید . وی در خطوط : رفاع ، نستعلیق و نسخ استاد بود . وی کتیبه کلیه بناهای خیریه و مساجد هرات را که از بناهای مشهور عصر سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوائی بود بخط نستعلیق جالب کتابت نموده وی اشعاری درباره کیفیت خط سروده است مثل :

۱۴- صفحه ۲۹ کتاب و فیات الاعیان چاپ مصر ، جلد سوم ، اثر ابن خلکان .

۱۵- فقلت له : هذا يقول ان خطه في الحسن مثل خط ابن البواب ، وفي بلاغة ألفاظه مثل رسائل الصابي ، لانه ابن هلال ايضاً - صفحه ۲۹ همان کتاب .

۱۶- رجوع شود به همان کتاب صفحه ۲۹ - ۳۰ .

«گوید مکتوبی از تو بمن رسانیدند که تمامی مندرجات او پسندیده بود، گویی رشته‌های سحر حلال بود و مرا آگهی داد، از منزلت و مقامیکه خداوند فضل و دانش را بوده، و از منزلتی دیگر خبر یافتم، که خالی از دوستان بود، و چون آن نامه را نگرستم، پی‌درپی بوسیدم، چنانچه در دیدگانم اشک جای گرفت، و سؤال کردم از جای آنها و مرا جواب میداد، چون بدقت در او نظر کردم، کلمات او همچون ستارگان درخشنده که در شب تاریک با رشته‌های جواهر بهم بسته باشند می‌بود، و خطوط و سطور او مانند بوستانی پر از نقش و نگار، تو پنداری که از دست ابن‌هلال نگاشته شد یا انشاء ابن‌هلال (مقصود ابن‌بواب است) بوده»<sup>۱۷</sup>.

متأسفانه آثار و خطوط زیادی از ابن‌بواب باقی نمانده است. از مجموعه آثار و خطوط با رقم ابن‌بواب، مقداری به شرح زیر موجود است:

۱ - يك نسخه ديوان سلامت بن حبل درموزه طوب قاپوسرای ترکیه و يك نسخه دیگر از همان دیوان با همان خط و مشخصات، درموزه آثار اسلامی ترك اسلامبول.

۲ - يك نسخه ديوان الحادره، با همان خط و رقم، درموزه طوب قاپوسرای ترکیه.

۳ - يك نسخه رساله فی مدح الکتب و الحسب علی جمعها، تألیف جاحظ، در همان موزه که صحت انتساب هیچیک از آنها به ابن‌بواب روا نیست. زیرا جودت و کمال و هنر استادی خط میرساند که باید لااقل دوست سال پس از ابن‌بواب کتابت شده باشد و بنام ابن‌بواب رقم کرده باشند.

۴ - يك نسخه قرآن مزین و مذهب برقم ابن‌بواب که جزو مجموعه چیستریتی انگلیسی در انگلستان نگاهداری میشود. این نسخه تنها اثر بسیار نفیس و شاید منحصر بفرد است که آنرا بخط ابن‌بواب بدون تردید و شائبه و ساختگی بودن رقم میتوان پذیرفت، زیرا اصالت نسخه از ابتدایی بودن خط و تذهیب و تزئین هنری آن هویدا است و چنین رقم و تاریخ دارد: «کتاب هذا لجامع علی بن هلال بمدينه السلام (بغداد) سنة احدى وتسعين وثلاثة مائة».

۵ - درموزه اسلامی ترك اسلامبول، قرآنی به قطع کوچک است که بقلم ریحان مانند نوشته شده است و کتابت آنرا با ابن‌بواب نسبت داده‌اند که صواب نیست و نام کاتب تا حد امکان «ابوالقاسم علی . . .» و تاریخ . . . اربع مائة « آن با دقت خوانده میشود و بقیه متأسفانه محو گردیده است. بهر صورت بعد از ابن‌بواب ابن ابوالقاسم علی را باید از جمله خوشنویسان قرن پنجم دانست. آنچه از این اثر و آثار دیگر برمیآید، اینست که در دوره ابن‌بواب یا بدست خود او اقلام، ثلث، رقاع و نسخ ریحانی مراحل تکامل را پیموده و تقریباً با همان مشخصات و ترکیبی که امروز این سه قلم را می‌شناسیم

در آن هنگام بطور ناپخته‌تر موجود بوده است ولی آنهمه توصیف و تعریف و تمجید که از جودت و کمال خط ابن‌بواب کرده‌اند و او را در ردیف استادان خوشنویس که بعدها دهه‌اتن بطور رسیده‌اند و این اقلام را در نهایت زیبایی و استواری نوشتند نمیتوان گذاشت و شاید این همه تمجید که از خط وی کرده‌اند از آن رو باشد که او از اولین خطاطانی است که این اقلام را سر و صورت داده و از روی قواعد صحیح، کتابت کرده است.

صاحب کتاب سلسله الخطاطین، ضمن آوردن خوشنویسانیکه از زمان بعثت حضرت محمد (ص) تا به بعد بقلم کوفی و حسن خط مشهور شدند، از ابن‌بواب قبله‌الکتاب نام برده است<sup>۱۸</sup> و او را بحسن کتابت و استادی در خط ستوده است.

ابن‌بواب، شاگردان زیادی را در مکتب خود پرورش داده است و حتی عده کثیری غیر از شاگردان او، از شیوه کتابت و روش خطاطی او پیروی کرده‌اند. از معارف شاگردان بلاواسطه ابن‌بواب میتوان ابوالفضل خازن را نام برد.

ابوالفضل خازن از مردم دینور خراسان است. وی در نیمه دوم قرن پنجم هجری میزیسته و از شاگردان ممتاز ابن‌بواب بود. وی در مدتی ناچیز، در فن کتابت و خطاطی شهره عصر خویش گردید. میگویند وی در مدت عمرش ۵۰۰ (پانصد) قرآن را کتابت نمود و حتی او را از مبدعین و مخترعین خطوط رقاع و توقیع میدانند.

ابوالفضل خازن، بر سرودن شعر، طبعی سرشار داشته و خصوصاً اشعار تازی را خوب میسرود:

«من بستم بحرم مناه ومن یرغ: یختص بالاسعاف و التمكن  
انظر الی الالف استقام ففاته: عجم ففاز به اعوجاج النون»

\*\*\*

ایضاً:

البیر والاحسان ضاعاً عنده: کالراء ضاعت فی لسان الاثغ  
ابن خلکان وفات او را در سال ۵۴۲ هجری دانسته که البته صحیح بنظر نمی‌رسد، زیرا نمیتوان او را شاگرد ابن‌هلال (ابن‌بواب مشهور) که فوتش به سال ۴۳۳ اتفاق افتاده دانست. یکی دیگر از شاگردان معروف ابن‌بواب، عبدالؤمن بن صفی‌الدین اصفهانی است. وی در علوم مختلف و دانشهای عصر خویش، استادی بدبل و بی‌مانند بود و بویژه در کتابت و حسن خط بقدری ماهر و لائق بود که هر کس خط او را مینگریست گمان میبرد خط ابن‌بواب است - وی در آغاز جوانی از اصفهان عازم بغداد گردید و در محضر استاد عصر خود یعنی ابن‌بواب استفاده‌های زیاد برد تا خطش بدرجه عالی و کمال رسید و به وطن خود اصفهان مراجعت کرد<sup>۱۹</sup>.

عبدالؤمن، در هنر موسیقی نیز استادی بی‌نظیر بود

و همیشه جمعی از فضلا و بزرگان شهر از محضرش فیض می بردند .

از شاگردان دیگر ابن بواب ، ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد بکری مشهور به ابن جوزی است . گذشته از اینکه در علوم رایج عصر خود و خصوصاً در علوم معقول و منقول و در فنون ادب استادی وارد و حاذق بود ، در نطق و بیان و خط و هنر خوشنویسی از جمله ستاره های درخشان زمان خود به شمار میرفت . وی مدتی در خدمت ابن بواب به تحصیل فن خط پرداخت و بدرجه جودت و کمال رسید و آثار زیادی تألیف و تصنیف نمود که متأسفانه بعلت وقوع حوادث ناهنجار و اتفاقات نابهنگام همه آنها از میان رفته است . ابن جوزی در تاریخ ۵۹۰ هجری به سن ۸۰ سالگی درگذشت ۴۰ .

از پیروان سبک ابن بواب بعضی عبارتند از :

ابویوسف محمد بن اسماعیل گلپایگانی ، محمد بن عبدالملک ، عبدالرحیم بن ابوبکر بن عبدالرحیم کاتب ، اسعد بن ابوالعالی کاتب مصری ، محمود کاتب مصری ، محمود کاتب ، عبدالرحمن بن علی بن بکری ، ابوالعزیز عمر بن علی ، ابوالحسین یحیی مصری معروف به تاج الدین کاتب ، ابوالدر امین الدین یاقوت بن عبدالله ملکی موصلی ، مهذب الدین یاقوت بن عبدالله رومی ، احمد بن فضل الله ترکستانی ، عقیف شاگرد یاقوت ملکی ، ولی عجمی شاگرد عقیف ، عماد الدین فرزند عقیف ، و بالاخره عبدالؤمن بن صفی الدین ارموی ۴۱ میباشد .

نوشته ها و آثار هنری ابن بواب را بی شک میتوان از ارزنده ترین آثار هنری و خوشنویسی اسلامی بشمار آورد .

۱۷ - کتاب و فیات الاعیان تألیف ابن خلکان جلد سوم صفحه ۲۹ به بعد و کتاب خط و خطاطان تألیف عبدالمحمدخان ایرانی ( مؤدب السلطان ) صفحه ۷۳ .

۱۸ - طبق روایت این کتاب ، خوشنویسان مشهور از زمان بعثت حضرت محمد (ص) به بعد عبارتند از : ابوبکر بن ابی قحابه - عمر بن الخطاب - عثمان بن عفان - علی بن ابیطالب - حضرت امام حسن مجتبی - حضرت امام حسین - ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزبه بخاری صاحب کتاب صحیح بخاری ، آداب المفرد ، رفیع الیدین ، تاریخ الکبیر ، کتاب الضعفاء ، کتاب الوجدان ، کتاب المبسوط ( که در حسن خط آنها از دست راست و دست چپ گوی سبقت از دیگران ربوده است ) - حسن بصری سیدالتابعین - محمد بن مقله وزیر شهید قدوة الکتاب برادر ابن مقله حسن فصیح - جمال الدین یاقوت مستعصمی و بالاخره ابن بواب فیه الکتاب میباشد .

۱۹ - با توجه باینکه وفات عبدالؤمن اصفهانی را سال ۶۴۶ ذکر کرده اند معلوم میشود که گفته صاحب کتاب « پیدایش خط و خطاطان » مؤدب السلطان صفحه ۱۴۶ که وی را از شاگردان مستقیم و بلا واسطه ابن بواب دانسته صحیح بنظر نمیرسد زیرا با مقایسه تاریخ تولد و وفات هر دو تن ثابت میکند که عبدالؤمن اصفهانی شاگرد شاگرد ابن بواب بوده است نه شاگرد مستقیم او .

۲۰ - برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به پیدایش خط و خطاطان تألیف عبدالمحمد خان ایرانی صفحه ۷۹ .

۲۱ - یاقوت مستعصمی خطاط مشهور قرن هفتم معروف به قبله - الکتاب ، ابتدا نزد عبدالؤمن بن صفی الدین ارموی و بعد نزد شیخ بن حبیب مشق خط کرده است ( نگارنده ) .

